

واکاوی صدور انقلاب اسلامی ایران و ثمرات آن  
جزء مقالات برتر هشتمین همایش بین المللی «دکترین مهدویت»

سید مهدی طاهری<sup>1</sup>

محرم حقی<sup>2</sup>

**چکیده:**

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) در دهه های پایانی قرن بیستم، طلایه دار راه جدیدی شده و انقلابیون ایران در راستای رسالت جهانی و تعالی اهداف این انقلاب، علاوه بر نهادینه سازی در جامعه ایران، به صدور آن در سایر نقاط جهان مبادرت ورزیدند.

در این راستا در کشورهای مختلف شاهد طرح و پذیرش آموزه ها و اهداف انقلاب بوده و امروزه با گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب، خیزش هایی متأثر از ایده صدور انقلاب اسلامی در منطقه رخ داده است. نگارندگان این مقاله درصدد بررسی روند ابعاد مختلف ایده صدور انقلاب اسلامی و ثمرات آن در کشورهای مختلف از جمله تونس، مصر، بحرین، عربستان و یمن می باشند.

**واژگان کلیدی:** انقلاب اسلامی ایران، صدور انقلاب، ثمرات و تحولات اخیر کشورهای اسلامی.

---

<sup>1</sup> عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه \*seyedmehditaheri@gmail.com

<sup>2</sup> دانش آموخته حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشگاه بین المللی المصطفی (ص) \*mhaghi59@yahoo.com

## مقدمه:

جهان اسلام در طی قرون گذشته شاهد ظهور جریان‌های مختلف فکری و سیاسی بوده که عمدتاً در پاسخ به اوضاع بحرانی جهان اسلام شکل گرفتند؛ بدان خاطر که پس از گسترش نفوذ غرب بر جوامع اسلامی، یک نوع آگاهی در میان مسلمانان برای کسب استقلال از غرب شکل گرفت که اندیشمندان برای حفظ هویت اسلامی، در صدد بازگشت به اسلام برای رهایی از این وضع برآمدند.

در این راستا انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از رخداد‌های متمایز در عرصه بیداری اسلامی، نقطه عطفی در تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی دنیای معاصر محسوب گشته که تغییرات زیادی را به همراه داشته است. این انقلاب در شرایطی به وقوع پیوست که کمتر کسی آن را در شرایط انقلابی تصور می‌نمود؛ بدان خاطر که برآوردهای ناشی از وضعیت جهانی در دوران دو قطبی و حمایت غرب از نظام حاکم بر ایران، بیانگر آن بود که تحولات دهه 1980 در ایران در نهایت به ثبات نسبی ختم می‌گردد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر ایده اسلام سیاسی، به تدریج این ایده بدلیل افکار آرمان‌گرایانه و طرح ارزش‌های جدید در عرصه بین‌الملل، در تقابل با غرب و شرق قرار گرفته و منافع غالب کشورهای را نیز به خطر انداخت. علی‌رغم فشارهای شدید قدرت‌های بین‌الملل و سایر دولت‌ها در مقابله با این انقلاب، اما انقلابیون به رهبری حضرت امام خمینی (ره)، توانستند با تکیه بر تفکر اسلام سیاسی، نقش اسلام و مسلمانان را در عرصه‌های مختلف برجسته نمایند.

بررسی ابعاد تاثیرگذاری این انقلاب در سطح جهان اسلام، حاکی از آن است که علی‌رغم مخالفت بسیاری از دولت‌های اقتدارگرا، جمهوری اسلامی ایران در راستای تعالی اهداف خود، با سعی و تلاش فراوان توانست تا مسلمانان جهان را در مسیر بازیابی هویت اسلامی خویش قرار داده و بررسی‌های موجود در این زمینه بیانگر آن است که این انقلاب بزرگ، تاثیرات متفاوتی را در سطح جهان اسلام داشته است که عبارتند از: بازتاب ملموس و چشمگیر، تقویت و شتاب بخشیدن به جریان‌های سیاسی اسلامی، برانگیختن ایدئولوژی و تفکر سیاسی اسلامی و فراهم شدن بهانه برای برخی از حکومتها در سرکوب جنبش‌های اسلامی مخالف.

پس از اشاره مختصر به مباحث مقدماتی در ادامه بدنبال آن هستیم تا ابعاد مختلف صدور انقلاب اسلامی و همچنین ثمرات آن را مورد واکاوی قرا دهیم.

## 1. واکاوی صدور انقلاب اسلامی:

### 1.1. سیاست صدور انقلاب اسلامی:

ذکر این نکته ضروری است که انقلاب‌ها در شرایط تخاصم با وضع موجود و رژیم حاکم که پیوستگی آهنینی با وضع موجود جامعه جهانی دارد، به پیروزی می‌رسند. با توجه به رسالت‌های متفاوت آن‌ها، از لحاظ حوزه آرمانی و محیط عمل، هر یک از آن‌ها تفاوت‌های بارزی با یکدیگر دارند؛ اما با این وجود به طور کلی در تمامی انقلاباتی که داعیه جهانی دارند، اصولاً طرح و برنامه‌ای برای تمام جهان ارائه می‌کنند که این خود منبعث از ایدئولوژی این نوع انقلاب‌هاست. ایدئولوژی این انقلاب‌ها نیز دارای چارچوبی جهان‌شمول بوده و بر همین اساس در حصول اهداف همواره به کل جهان نظر داشته و حرکت تاریخ را بر اساس تصویری از کمال یا سعادت بشری ارائه می‌کنند و آن را بعنوان الگوی کامل و جامع به تمام جهان معرفی می‌کنند.

پدیده صدور انقلاب نیز از همین بحث منبعث بوده و در این زمینه یک رژیم انقلابی، زمانی که ادعای جهان‌شمولی داشته باشد، در پی صدور انقلاب، اصول و ارزش‌های آن به جهان خارج برآمده و این انقلاب به مثابه نسخه‌ای تلقی می‌شود که قابلیت تجویز برای ظرفیت‌های مکانی و جغرافیایی دیگر را دارد. (فلاح نژاد، سیاست صدور انقلاب اسلامی: 21-22)

از جمله نکات مهم در انقلاب‌های جهان‌شمول این است که تحولات سیاسی و اقدامات فراكشوری آن‌ها، کشورهای همسایه را نیز تحت تاثیر قرار داده و منجر به عکس‌العمل‌های متقابل و شکل‌گیری مخالفت با کشور انقلابی می‌گردد. در همین راستا آن‌ها درصدد برمی‌آیند تا با سرکوب اهداف و شعارهای انقلاب، مانع نفوذ افکار و اندیشه‌های آن‌ها در کشورهای دیگر شده و متقابلاً کشور انقلابی نیز مبادرت به اتخاذ روش‌های گوناگونی برای صدور انقلاب می‌نماید که این روشها منبعث از روح حاکم بر ایدئولوژی آن‌ها می‌باشد. (امرائی، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر: 51)

انقلاب اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نمی باشد و امروزه هرگاه سخن از انقلاب اسلامی ایران در هر نقطه از جهان به میان می آید، اولین چیزی که به عنوان شاخصه اصلی آن در ذهن تبلور می کند، ایدئولوژی این انقلاب است و چه بسا بدون اتکا به این ایدئولوژی، انقلاب اسلامی چندان شناخته نمی شد.

انقلاب اسلامی در فرایند استقرار و گسترش خود مراحل را پشت سر گذاشته که تعمق در هر کدام از این مراحل، مستلزم مطالعات و تحقیقات فراوانی است و به طور کلی می توان گفت که این انقلاب پی آمد های بسیاری را در عرصه های گوناگون به همراه داشته است که یکی از مهم ترین آن ها، تاثیرگذاری بر کشورهای منطقه و آشنایی مسلمانان و مستضعفان جهان با این انقلاب، تحت راهبرد سیاست صدور انقلاب اسلامی می باشد و حال در ادامه بدنبال آن هستیم که به روند صدور انقلاب اسلامی ایران بپردازیم.

## 2.1 سیر تاریخی و دیدگاههای صدور انقلاب:

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک پدیده نوظهور، در قالب تئوری های روابط بین الملل نمی گنجد؛ زیرا انقلاب هایی که تا این زمان انجام می گرفت، اغلب در هاله رقابت های اتحاد شوروی با غرب و سیاست دو قطبی نظام بین الملل توجیه می شد؛ ولی انقلاب ایران با تکیه بر دین محوری، طرد مظاهر شرق و غرب و توجه به رویکردهای سنتی و مذهبی، برای بسیاری از جوامع قابل هضم نبود.

در این راستا برخی از انقلابیون بدلیل خاستگاه جهانی این انقلاب، بدنبال گسترش انقلاب در سایر جوامع بوده و اعتقاد داشتند که نمادهای انقلاب اسلامی به عنوان هدیه خداوندی باید به تمامی جهان صادر شود. (محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: 106-107) در این دوره گرچه برخی از دولتمردان دولت موقت اعتقاد چندانی به صدور انقلاب و گسترش آن در ابعاد بین المللی نداشته و حتی با انجام هر اقدامی در این زمینه مخالفت می کردند؛ اما با این وجود سیاست صدور انقلاب در این دوره توسط برخی نیروهای انقلابی همچنان دنبال می شد و دیدگاه های متفاوتی در این زمینه وجود داشت که عمده ترین آن ها عبارتند از:

- ملی گرایان: بازسازی ملی در قالب هماهنگی با نظام و عرف بین المللی بدون توجه به شرایط انقلابی، ناپسند دانستن برخورد ارزشی با نظام جهانی و بسندگی ارزش ها در چارچوب مرزهای ملی؛

- آرمان گرایان: مخالفت با محدودیت در حیطه مرزهای ملی و مبارزه با استعمار، توطئه دانستن باقی ماندن در مرزهای ملی، تجهیز جنبش های آزادی بخش به منظور تهدید حکومت های مستبد، اولویت ایدئولوژیک در سیاست

خارجی؛

- میانه روها: تلاش برای ساختن یک امت نمونه در داخل و دنبال کردن سیاست مسالمت آمیز همراه با فرصت طلبی در جامعه جهانی.

حضرت امام خمینی با تاکید بر خدشه ناپذیر بودن اصل صدور انقلاب، تحقق ارزش ها در داخل و اهتمام جدی به ارائه و اشاعه ارزش ها و آرمان های انقلاب در خارج را هدف اصلی استراتژی صدور انقلاب دانسته و بر همین مبنا با نقد دیدگاه های مذکور، دیدگاه جامعی در این خصوص ارائه کردند که دلایل ایشان را می توان به شرح ذیل دسته بندی نمود:

الف. دلایل مکتبی: دیدگاه های مذکور، کسب قدرت را هدف دارند؛ حال آنکه هدف از صدور انقلاب در باور حضرت امام خمینی، انجام تکلیف برای ترویج اسلام است نه کسب قدرت.

ب. دلایل جامعه شناختی: از دید حضرت امام صدور انقلاب باید نتیجه کار مشترک و موکول به خواست توأم با کوشش خود مردم باشد؛ در صورتی که هر سه دیدگاه فوق، حرکت های زورمدارانه مبتنی بر اخذ تصمیم و اقدام از سوی انقلابیون را در دستور کار دارند.

ج. دلایل سیاسی: به نظر می رسد که هر سه دیدگاه فوق به صدور انقلاب نگاه ابزاری داشتند؛ حال آنکه حضرت امام آن را یکی از اصول سیاست خارجی در اسلام می دانست. (بی نا، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی: صص 15 - 20)

شایان ذکر است که اشغال سفارت آمریکا در تهران، نقطه اوج تقابل دیدگاه های صدور انقلاب اسلامی ایران به شمار می رود؛ بدان خاطر که با استعفای دولت بازرگان در این حادثه و کنار رفتن دیدگاههای ملی گرایان، سیاست خارجی ایران دچار تحول اساسی شد. گروگان گیری کارکنان سفارت آمریکا توسط دانشجویان خط امام، آمریکا و سایر قدرت های غربی را سخت عصبانی کرد؛ زیرا از منظر جهانی، برای آمریکا خوشایند نبود که کشور کوچکی مثل ایران در مقابل آمریکا ایستادگی کرده و آن ها را تحقیر کند. (فواز ای. جرجیس، امریکا و اسلام سیاسی: 88) با محکوم کردن ایران توسط شورای امنیت و بیشتر کشورهای جهان، نقش آفرینان سیاست خارجی ایران، نقش مشروعیت نظام بین المللی موجود را زیر سؤال برده و لذا در پی حمایت و ارتقاء منافع اسلامی، با رد سلطه هر دو ابرقدرت در نظام بین المللی، در صدد صدور انقلاب به سراسر جهان برآمده (بی نا، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی: 35) و در عرصه داخلی نیز پس از این جریان، به دلیل مشخصه های آرمانی و ایدئولوژیک، علی رغم دیدگاه های متفاوت و

وجود برخی مخالفت های داخلی، انقلابیون بر این اعتقاد بودند که اگر انقلاب در محیط محدودی باقی بماند، به طور قطع با شکست روبرو می شود. (متقی، استراتژی موازنه منطقه ای آمریکا در جنگ ایران و عراق: 68)

در راستای مخالفت جهانی با اقدامات ایران، ایالات متحده به عنوان دشمن اصلی، تحریکات خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در سطوح منطقه و بین الملل ابعاد وسیعی بخشیده و به بهانه اشغال سفارت توسط دانشجویان، تصمیم گرفت که با یک سلسله عملیات چریکی به نام «عملیات پنجه عقاب»، کلیه گروگان های اسیر شده را آزاد نماید؛ ولی این عملیات به علت طوفان در طبرستان و سقوط چند فروند از چرخبال های آمریکا لغو گردید و همچنین عملیات های دیگر در براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران از جمله «کودتای نوژه» نیز توسط ایران خنثی شدند. (غضنفری، آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران: 458 – 459)

در ادامه ناکامی های آمریکا، علی رغم اعلام صلح آمیز خواندن هدف صدور انقلاب از سوی امام خمینی، کشورهای منطقه و نظام بین الملل که ایران انقلابی را مایه تهدید خود دانسته و موجودیت و منافع خود را در خطر می دیدند، با وجود همه اختلافات در چگونگی مهار و حذف این کانون انقلابی، به اشتراک نظر رسیده و جنگ را بر ایران تحمیل کردند. امام خمینی با رد اتهامات سایرین در تهدید از بودن صدور انقلاب، هدف از اتخاذ سیاست صدور انقلاب را اینطور اعلام کردند که: «هدف از صدور انقلاب اسلامی، ارائه الگوی زندگی و کشورداری بر اساس موازین اسلام است؛ نه کشورگشایی و لشکرکشی که استکبار جهانی و عوامل او، از روی کینه و دشمنی با اسلام به تبلیغ آن می پردازند». (جمعی از نویسندگان، انقلابی متمایز، جستاری در انقلاب اسلامی ایران: 104)

تحمیل جنگ بر ایران از سوی دشمنان، گرچه گزینه ای در توقف افکار انقلابی و آرمانی ایران تلقی می شد؛ ولی عملاً شروع جنگ نیز نتوانست ایران را از ادامه سیاست صدور انقلاب بازداشته و بلکه انقلابیون بالعکس جرأت و شهامت بیشتری در گسترش افکار انقلابی پیدا کرده و در این راستا امام خمینی اظهار داشتند: «ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم... از طرفی تمام قدرت ها و ابرقدرت ها کمر به نابودی مان بسته اند و اگر ما در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد. ما باید حسابمان را صریحاً با قدرت ها و ابرقدرت ها یکسره کنیم و به آن ها نشان دهیم که با تمام گرفتاریهای مشقت باری که داریم، با جهان برخورد مکتبی می نمایم». (بی نا، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی: 35)

علاوه بر تحمیل جنگ، همچنین آمریکا با حمایت از رژیم های سکولار در خاورمیانه، تبلیغات گسترده ای را مبنی بر اینکه اسلام گرایان در ایران، خشونت گرا، ضد غرب و مایه خطر کشورهای منطقه هستند، به راه انداخته و در این راستا

محافظه‌کاران عرب، فراخوان سران انقلاب اسلامی مبنی بر رجعت به اسلام، تاکید بر خودآگاهی توده‌های مسلمان و حتی مبارزه همه‌جانبه با استعمار و استثمار جهانی را تهدیدی برای حکومت‌های خود تلقی کردند.

ایالات متحده در صدد القای این نظر به کشورهای حوزه خلیج فارس بود که ایران با تسلط بر منطقه در صدد است تا خلیج فارس را به عنوان یک دریای ایرانی در تصرف داشته باشد. در پی همدلی بسیاری از سران عرب در تجاوز عراق به ایران، فرصت لازم در اختیار آمریکا قرار داده شد تا خواسته خود برای ایجاد یک سیستم امنیت جمعی بعنوان جانشین «پیمان ستو» را در منطقه تحقق بخشد. به همین منظور در فوریه 1981، «شورای همکاری خلیج فارس»<sup>1</sup> میان وزیران خارجه کشورهای عربستان سعودی، عمان، کویت، قطر، بحرین و امارات در ریاض به وجود آمد که عمده‌ترین زمینه‌های همکاری کشورهای عضو این شورا، مبادله اطلاعات در موضوعات امنیتی، تشکیل شبکه دفاع هوایی و ایجاد نیروهای واکنش سریع بود. (تهامی، سیاست آمریکا در قبال ایران طی دوره جنگ تحمیلی: 118) در واقع تشکیل این شورا اقدامی علیه انقلاب ایران و با حمایت آمریکا بود؛ بدان خاطر که این شورا می‌توانست به عنوان سدی در برابر قدرت ایران و اسلام سیاسی رادیکال به کار گرفته شود.

گرایش کشورهای فوق به سوی آمریکا در تقابل با ایران باعث شد تا حمایت همه‌جانبه آمریکا از این شورا تشدید شده و در این ارتباط نیروی واکنش سریع آمریکا به همراه نیروهای واکنش سریع شورای همکاری خلیج فارس برای کنترل درگیری‌های با ابعاد کوچک تر و سرکوبی جنبش‌های داخلی و منطقه‌ای فعال شدند و اعضای این شورا در طول جنگ عراق با ایران، کمک‌های فراوانی را در اختیار بغداد قرار دادند تا بتواند جلوی گسترش افکار انقلابی به سایر نقاط را بگیرند. (تهامی، سیاست آمریکا در قبال ایران طی دوره جنگ تحمیلی: 119) علی‌رغم تلاش همگان در مقابله با ایران، موفقیت‌های نظامی ایران در بهار 1361، موجب تثبیت نظام و انقلاب شد و بنابراین ایران نیز فرصت یافت تا ایده صدور انقلاب را شدت دهد. در اینجا آمریکا نیز با تمام امکانات خود، برای جلوگیری از گسترش استراتژی صدور انقلاب اسلامی به کشورهای عربی خلیج فارس، به عراق که سپر دفاعی آن کشورها تلقی می‌شد کمک کرد تا از پیروزی ایران جلوگیری کند. (پارسادوست، ما و عراق؛ از گذشته دور تا امروز: 424)

---

<sup>1</sup> Persian Gulf Cooperation Council

با تحت الشعاع قرار گرفتن تکلیف جنگ پس از فتح خرمشهر، جلب توجه ایران به جبهه جنگ اسرائیل با لبنان<sup>1</sup> و استفاده عراق از این فرصت حیاتی باعث شد که برای صدور انقلاب، لوازم و مراحل خاصی در نظر گرفته شود و پس از آن نیز بدلائل مختلفی جنگ تحمیلی تا سال 1367 ادامه یافته و نهایتاً با حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران، با پذیرش آتش بس از سوی ایران جنگ خاتمه یافت.

با پذیرش قطعنامه 598 شورای امنیت از سوی ایران، سیاست های داخلی و خارجی ایران تحت الشعاع نظریه «ام القرى» قرار گرفته و بالطبع بازسازی اقتصادی و نظامی در دستور کار دولتمردان جدید ایران قرار گرفت و سیاست نگاه به درون - به جای توجه بیشتر و جدی تر به بیرون - به سیاست جدید رهبران ایران تبدیل گردید. (ازغندی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: 34 - 36) از آنجایی که این دیدگاه مبنای نظری لازم را برای تغییر و بازنگری سیاست خارجی ایران فراهم ساخته بود، لذا با توجه به ضروریات، نیازها، مشکلات و حل معضلات پس از جنگ، نظریه ام القرای برای صدور انقلاب مناسب تر از سایر نظرات به نظر می رسید. ارکان اصلی این نظریه عبارتند از:

الف) ملاک وحدت در فلسفه ام القراء، وحدت در انجام وظیفه اسلامی است.

ب) ولایت فقیه و حکومت ولایت فقیه، اساس و جوهر تشکیل حکومتی اسلامی در ام القراء است.

ج) مرزهای قراردادی و بین المللی جغرافیایی اثری در این رهبری ندارد. جهان اسلام امت واحده است، ولایت فقیه و حیطة مسؤولیت آن قابل تقسیم به کشورها نیست، مسؤولیت رهبری امت اسلام مرزی نمی شناسد.

د) کشوری ام القراء جهان اسلام محسوب می شود که دارای رهبری باشد که در حقیقت لایق رهبری جهان اسلام باشد.

ه) از آنجایی که ام القراء به دفاع از حقوق امت ها می پردازد، از این رو قدرت های جهان سعی می کنند آن را در هم شکسته و نابود سازند تا دیگر سدی بر سر راه امیال آن ها نباشد و در این جاست که وظیفه امت حفاظت و حمایت از ام القراء می باشد. (ایزدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: 73-74)

بر مبنای این نظریه اگر ما بتوانیم کشوری پیشرو و توسعه یافته با حفظ معنویت انقلابی و ارزش های اسلامی به جامعه جهانی ارائه دهیم، رغبت و توجهی که دیگر کشور های اسلامی، کشورهای جهان سومی و... برای تقلید از این

---

<sup>1</sup> لبنان از یکسو در سیاست صدور انقلاب اسلامی ایران به جهان عرب، نقطه مرکزی محسوب شده و همچنین از سوی دیگر، جبهه مواجهه اساسی در برابر آمریکا و اسرائیل به شمار می آمد و لذا ایران حساسیت زیادی در مورد لبنان داشت.



کشور نمونه خواهند داشت، به معنی واقعی صدور انقلاب اسلامی است. لذا در چارچوب چنین شرایطی این معنی تفهیم می شود که اسلام قادر به تنظیم زندگی مادی و معنوی و نیز اعتلای کل بشریت است.

پس از گذار تاریخی در باب صدور انقلاب اسلامی، در ادامه در صدیم تا به مسائلی همچون جایگاه صدور انقلاب در قانون اساسی، اهداف استراتژی صدور انقلاب و ابزارهای آن پردازیم.

### 1.3. جایگاه صدور انقلاب در قانون اساسی:

صدور انقلاب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جایگاه خاصی برخوردار بوده و در اهمیت آن همین بس که از نوزده اصل مرتبط با سیاست خارجی، هشت اصل آن درباره صدور انقلاب بوده و حمایت از مستضعفین، وحدت جهان اسلام و رستگاری بشریت، از اهداف نهایی صدور انقلاب در بعد سیاست خارجی ایران به شمار می آید که ما در اینجا به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

- در مقدمه قانون اساسی درباره شیوه حکومت اسلامی تصریح می شود که: «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می کند. به ویژه در گسترش روابط بین المللی با دیگر جنبشهای اسلامی و مردمی می کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.» (بی نا، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: 5)

- اصل 11 قانون اساسی: «همه مسلمانان یک امت اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.» (بی نا، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: 13)

- اصل 154 قانون اساسی، هدف از نشر و ایده انقلابی و اسلامی خود را به طور روشن بیان کرده و نیز عزم خود را در تحقق آن بیان می دارد. این اصل نظام اسلامی را مقید به حمایت از ملل مبارز و محروم می کند و در عین حال، عدم چشم داشت به سرزمین و حاکمیت آن ها را نیز یادآور می شود. «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود دانسته و استقلال، آزادی، حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می داند. بنابراین در عین

خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند».( بی نا، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: 43)

#### 1.4 اهداف استراتژی صدور انقلاب اسلامی:

جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ این سیاست، اهدافی را دنبال می کرد که برخی از آن ها عبارتند از: الگوسازی، تبلیغ و آگاه سازی، آموزش، حمایت از نهضت های آزادی بخش و.... (محمدی، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی: 72) البته برخی بر این باور بودند که ایران با اتخاذ این سیاست، دنبال اهداف مهم تری بود؛ بدان خاطر که از نگاه آن ها در کوتاه مدت این سیاست وسیله ای برای دفاع از ایران به رهبری فقهاء بوده و همچنین وسیله ای برای تأمین امنیت بین المللی ایران به ویژه در خلیج فارس تلقی می شد و در بلند مدت نیز گامی جهت استقرار نهایی نظم جهانی زیر چتر عدالت اسلامی به شمار می رفت.( اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن: 65)

#### 1.5 ابزارهای صدور انقلاب:

به منظور تحقق اهداف صدور انقلاب و ارزش های حاکم بر آن، ابزارها و روش های گوناگونی در عرصه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به کار گرفته شدند که مهم ترین ابزارها و روش های سیاسی فرهنگی عبارتند از: حمایت از نهضت های آزادی بخش، وسائل ارتباط جمعی و مطبوعات، وزارت امور خارجه، تشکیل کنگره ها، سمینارها، حج، اعزام مبلغ، مبادله دانشجو و.... در بعد اقتصادی نیز مهم ترین ابزارها و روش های گسترش انقلاب اسلامی عبارتند از: تقویت اقتصاد داخلی به واسطه توسعه اقتصادی در کشور با هدف ایجاد نمونه و الگو در داخل و ترویج این الگو در خارج کشور، بهره گیری از درآمد نفتی و سایر منابع غنی ایران، گسترش توانمندی نظامی در جهت بازدارندگی و ایجاد امنیت برای کشور و....

#### 2. ثمرات صدور انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، انقلابیون ارزش ها و هنجارهایی را در تعارض با نظام بین الملل و منافع قدرت های حامی حفظ وضع موجود مطرح کردند که چالش هایی را در عرصه بین الملل به همراه داشته است و عمده ترین آن ها عبارتند از: استقلال از قدرت های بزرگ، عدالت، حق تعیین سرنوشت، همبستگی و اتحاد مستضعفان، بیداری

مسلمانان، حقانیت ملت‌های محروم، حق‌طلبی، مبارزه علیه وضعیت حاکم موجود در نظام بین‌الملل که مهم‌ترین شاخصه‌های آن شامل قدرت‌طلبی، غارتگری، زور گویی، انحصارطلبی، پایگاه خارجی، تجاوز، امپریالیسم، استعمار، جهالت و... می‌باشد. (ستوده، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ساختار نظام بین‌الملل: 164)

جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی تلاش کرد تا با تبدیل ارزش‌های فوق‌به‌هنگام در نظام بین‌الملل، افکار عمومی ملل محروم و مستضعف جهان سوم را تحت تأثیر قرار داده و لذا انقلابیون با اتخاذ سیاست صدور انقلاب، به گسترش و صدور الگوی انقلاب ایران در سراسر جهان مبادرت نموده و با توجه به ایدئولوژی جهان‌شمول این انقلاب، اهدافی همچون احیای هویت واحد اسلامی، مبارزه با ناسیونالیسم و برقراری اتحاد جهان اسلام در برابر غرب را در راس برنامه‌های خود قرار دادند. از این رو انقلاب ایران تهدیدی برای نظام جهانی، منافع ابرقدرت‌ها و دولت‌های مستبد محسوب شده و تحولات عمیقی را در جامعه جهانی و نظام بین‌الملل به همراه داشت که در ادامه در صدیم تا با نگاه تاریخی - مقایسه‌ای به مهم‌ترین تأثیرات آن در برخی کشورها اشاره‌ای داشته باشیم.

## 2.1. تونس:

گرچه انقلاب اسلامی ایران نتوانست در کشور تونس به مداخله مستقیم یا تشکیل گروه‌های فعال جدیدی با پشتیبانی ایران بیانجامد، بلکه به گرایش‌های مخالفت‌آمیزی که از پیش در آنجا بود شتاب بخشید. سیاستمداران تونس در دهه 1980، قدرت و مشروعیت سیاسی اسلام و سنت‌های اسلامی را تابع نظام‌های سکولار یا غیر مذهبی دانسته و لذا به ناسیونالیسم و توسعه‌می‌اندیشیدند (اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن: 171 و 190)؛ اما در مقابل گروه‌های مخالف دولت، انقلاب ایران را به عنوان الگویی ضروری در پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری اسلامی رهبران سیاسی تلقی می‌کردند. تأثیرپذیری این گروه‌ها از انقلاب ایران و تهدید تلقی کردن انقلاب ایران از سوی حاکمان تونس برای رهبری سیاسی خود، باعث شد تا در این دهه منازعه‌ای بین دولت با گروه‌های مذهبی شکل گرفت. (اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن: 172) از آنجایی که انقلاب ایران برای آن‌ها خطرناک محسوب می‌شد، لذا «دولت تونس برای رفع این تهدیدات، در سال 1982 به بهانه صرفه‌جویی در امور مالی و مخالفت با جنگ تحمیلی، سفارت خود در ایران را تعطیل کرد». (محمدی، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی: 294)

شایان ذکر است که نفوذ معنوی انقلاب اسلامی در تونس بر فعالان مسلمانی همچون «راشد الغنوشی» باعث شد که آن‌ها با الگو برداری از تجربه ایران و ایجاد جسارت در بیان خواسته‌های خود، جنبش اسلامی جدیدی را با عنوان «حرکه الاتجاه الاسلامیه» در تونس تشکیل دادند که بعداً به «جنبش نهضت» تغییر نام داد. (دکمجیان، جنبش‌های

اسلامی در جهان عرب: 365) این جنبش با هدف سرنگونی سکولاریسم در نظام تونس و روی کار آمدن حکومت به سبک حکومت اسلامی ایران تشکیل شد که در نهایت با عکس العمل دادگاه‌های طرفدار سیاست‌های غیر مذهبی تونس، رهبران جنبش روانه زندان شدند. اما با گذشت سال‌ها خفقان و استبداد در تونس، دو سال پیش در این کشور انقلابی رخ داد که تشابهات زیادی از نظر نوع شکل‌گیری و خواسته‌های مردم با انقلاب اسلامی ایران دارد که در ادامه اشاره‌ای مختصر به آن می‌شود.

خیزش مردم تونس در روز 26 آذر 1389 (17 دسامبر 2010) آغاز شد و منشاء آن خودسوزی یک جوان دست‌فروش به نام «محمد بوعزیزی» در اعتراض به فقر و ظلم حکومت بود. خودسوزی این جوان تونسی باعث شد که ابتدا دوستان و نزدیکان وی و سپس مردم دیگر دست به اعتراض و تظاهرات بزنند. مردم به خیابان‌ها آمدند، اعتراضات خیابانی اوج گرفت و به شهرهای دیگر نیز سرایت کرد.

مشت‌آهین پلیس برای مقابله با مردم، باعث کشته شدن تعدادی دیگر شد و این خود منجر به خشم بیشتر مردم گردید و اعتراضات ادامه یافت. این در حالی بود که در 23 سال حکومت بن‌علی، هیچ‌گاه شاهد چنین حوادثی نبوده و این کشور به باثبات‌ترین کشور آفریقایی معروف بود؛ اما به یک باره با موجی از اعتراضات مردمی - خیابانی بی‌سابقه روبه‌رو شد که کسی انتظار نداشت. در ادامه بر اثر بی‌تدبیری و اهمال دولت در پاسخگویی به اعتراض‌های مردم و کشته شدن ده‌ها نفر از معترضان در حمله نیروهای امنیتی به تظاهرات‌کنندگان، سطح مطالبات روز به روز افزایش یافت. حسینی عارف، بهار عربی در پرتو بیداری اسلامی: 77-79)

مهم‌ترین مطالبات مردم در روزهای نخست انقلاب، حل مشکل بیکاری و بهبود وضعیت معیشتی بود؛ اما این درخواست‌ها با سرکوب شدید نیروهای امنیتی مواجه شد. در نتیجه سطح مطالبات بالاتر رفت و بخش‌های دیگر را نیز شامل شد و در نهایت مردم به چیزی کمتر از کناره‌گیری رئیس‌جمهور راضی نشدند.

عمده‌ترین مطالبات مردم تونس عبارتند از: اقتصادی، سیاسی (مقابله با مشت‌آهین و مخالفت با سرکوب احزاب و رهبران مخالف) و مذهبی (برخورد از آزادی انجام شعائر دینی و مذهبی مثل نماز جماعت و مراسم دینی، استفاده از پوشش اسلامی).

بر اساس نظر کارشناسان جامعه تونس، اکثریت انقلابیون تونس، گرایش و مطالبات اسلامی داشته و گرچه هدف نهایی اسلام‌گرایان به دست گرفتن قدرت بود، اما آن را در ظاهر بیان نمی‌کردند؛ بلکه ابتدا بدنبال آن بودند تا بن‌علی را کنار زده، حزب حاکم استعفا داده و در نهایت قانون اساسی عوض شده و انتخابات آزاد برگزار گردد.

رئیس جمهور تونس در طول اعتراضات یک ماهه، وزیر امور جوانان، استاندار سیدی بوزید (محل حادثه خودسوزی)، وزیر امور سرمایه‌گذاری، وزیر کشور، مشاور سیاسی و سخنگوی رئیس جمهور را برکنار کرده و به علاوه به عیادت بوعزیزی رفت و حتی در نهایت کابینه و پارلمان را منحل کرد؛ اما هیچیک از این اقدامات چون در زمان مناسب خود صورت نگرفت، در آرام کردن مردم تأثیر نداشت. بدین ترتیب انقلاب تونس از آغاز تا پیروزی، کمتر از یک ماه طول کشید و در نهایت در تاریخ جمعه 14 ژانویه 2011 میلادی (24 دی 1389) با فرار رئیس جمهور زین العابدین بن علی و خانواده‌اش به عربستان سعودی، به پیروزی رسید.

موج اسلام خواهی پس از فرار بن علی را می‌توان در مواردی نظیر پخش نوای قرآن و اذان از شبکه های رادیویی و تلویزیونی، گسترش حجاب پس از لغو قانون ممنوعیت حجاب، حضور مجری‌های زن در تلویزیون تونس و شبکه‌های مختلف این کشور بعد از انقلاب مشاهده نمود. (ذوالفقاری، بیداری اسلامی در تونس و چشم انداز آینده: 209)

همچنین تغییرات و اصلاحات سریعی در تونس ایجاد شد که از جمله مهم ترین آنها عبارتند از: آزادی رسانه‌ها، مشارکت سیاسی مردم، بازگشت رهبران تبعیدی از جمله راشد الغنوشی، خلع ید جمعی از مفسدان اقتصادی از منابع و ثروت های عمومی، نگاه دولت به سمت کاهش بیکاری و رسیدگی به وضعیت اقتصادی مردم و در نهایت به قدرت رسیدن اسلام گرایان.

## 2.2 مصر:

سابقه تاریخی ارتباطات سیاسی ایران و مصر از زمان کوروش پادشاه هخامنشی آغاز گشته و در ادامه نیز با ظهور اسلام رابطه طرفین وارد مرحله جدیدی شد. با روی کار آمدن سلسله‌های اموی و عباسی و تحت تعقیب قرار گرفتن اهل بیت (ع) و شیعیان، بسیاری از بزرگان سادات در جستجوی پناهگاه به مصر و ایران که به دور از دسترسی حاکمیت مرکزی بود سفر کردند. (گلی زواره، شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین: 345 – 346) این دو کشور از لحاظ سیاسی همواره با یکدیگر در تعامل بوده و بدلیل نفوذ و سلطه انگلیس بر هر دو کشور در قرن گذشته، بالطبع ایران و مصر روابط دوستانه ای با یکدیگر داشتند.

از لحاظ فرهنگی نیز روابط ایران با مصر با شروع فعالیت‌های اصلاحی «سید جمال‌الدین اسدآبادی» در دنیای اسلام به ویژه در ایران و مصر نمود یافته و سید جمال با احیای اندیشه اصلاح‌گرایی نوین در اندیشه سیاسی مسلمانان عرب و نیز سردادن ندای وحدت میان شیعه و اهل سنت موفق به ایجاد نهضتی شد که پس از او شاگردانش از جمله محمد عبده آن را پیگیری و دنبال نمودند و در همین راستا در اواخر نیمه اول قرن بیستم، جهت نهادینه شدن رابطه

شیعه با اهل سنت نهضتی در قالب « دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه » بين علمای همچون آیت الله بروجردی و شیخ شلتوت شکل گرفت. (اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن: 154)

پس از جنگ جهانی دوم گرچه روابط طرفین دستخوش تحولات و دگرگونی‌های زیادی شده است؛ اما با سلطه آمریکا بر هر دو کشور، به غیر از دوران « جمال عبدالناصر » در مصر، در سایر دوران رابطه دوستانه ای بین طرفین برقرار بوده و دولت مصر بر مبنای همین روابط صمیمانه به مخالفت با انقلابیون در ایران می پرداخت. اما فراتر از دولت مصر، غالب جریان های اسلامی سیاسی مصر از سال 1978 به بعد، به صورتی صریح یا ضمنی، سیاست‌های رسمی نظام سیاسی حاکم بر مصر در تأیید شاه ایران و مقابله با انقلابیون ایران و رهبری امام خمینی را مورد انتقاد قرار دادند. (عبدالناصر، انقلاب اسلامی و تحولات فراوطنی آن در مصر: 373) در خصوص دیدگاه جریانات مختلف اسلامی مصر در مورد انقلاب اسلامی ایران و تحولات آن، باید خاطر نشان کرد که علی رغم اختلاف نظر میان آن ها، از نگاه غالب این جریان ها در حقیقت پیروزی ایدئولوژی سیاسی اسلام و تجسم آن در شکل یک دولت بود. (عبدالناصر، انقلاب اسلامی و تحولات فراوطنی آن در مصر: 374)

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال 1979، همزمان با مذاکرات « کمپ دیوید » در مصر رخ داد و با محکومیت پیمان کمپ دیوید از سوی ایران، گروههای اسلامی از جمله اخوان المسلمین میانه رو، جماعه الاسلامیه و برخی گروههای دیگر، دولت مصر را به پیروی از الگوی ایران و مبادرت به جنگ مقدس با اسرائیل فرا خوانده و از موضع ایران در عقب نشینی اسرائیل از تمامی خاک فلسطین اشغالی استقبال کردند؛ البته در مقابل برخی گروههای دیگر سعی نمودند تا با پر رنگ جلوه دادن جنبه‌های ایرانیت و شیعی بودن انقلاب اسلامی در مقابل جنبه اسلامی و احیای فکر دینی در دنیای معاصر، از تأثیرات این انقلاب در مصر بکاهند. همچنین دولت مصر نیز که در این مقطع زمانی به دلیل بهبود روابط خود با رژیم صهیونیستی در میان کشورهای اسلامی و عربی در انزوا قرار داشت، ضمن محکومیت ایران به مداخله در امور داخلی مصر، سعی داشت تا با بزرگ جلوه دادن خطر انقلاب ایران برای کشور منطقه، با این کشورها علیه ایران ائتلاف نموده و ضمن بهبود روابط خود با کشورهای اسلامی، امواج انقلاب اسلامی ایران را هر چه بیشتر مهار نماید. (محمدی، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی: 272 – 273)

بدنبال گروگان گیری سفارت آمریکا در ایران و جنگ تحمیلی، گرچه رابطه ایران با برخی از گروههای اسلامی از جمله اخوان المسلمین کمی تیره شد (عبدالناصر، انقلاب اسلامی و تحولات فراوطنی آن در مصر: 377)؛ ولی به طور کلی تأثیر انقلاب اسلامی ایران در شکل گیری نهضت بازگشت به خویشتن اسلامی و احیای فکر دینی در مصر را

نمی‌توان انکار نمود و در این خصوص باید اظهار نمود که الهام‌پذیری این گروهها از انقلاب اسلامی منجر به تقویت مخالفان دولت در مصر و شکل‌گیری نهضت اسلامی شد و علی‌رغم وجود حکومت پلیسی در مصر و فشارهای مختلف از درون و بیرون مصر، گروههای اسلامی در قالب جنبش‌های عظیم دانشجویی، اتحادیه‌های کارگری و تشکل‌های دینی و مذهبی به کار خود ادامه دادند و در نهایت شاهد شکل‌گیری انقلاب عظیم مردمی در بهمن 1389 و سقوط دیکتاتوری حسنی مبارک شدیم که ذیلاً شرحی کوتاه از وقایع این قیام مردم در مصر ارائه می‌گردد:

خیزش مردم مصر در روز 5 بهمن 1389 (25 ژانویه 2011) که از سوی جوانان مصر و با الهام از انقلاب تونس به عنوان «روز خشم» نامگذاری شده بود، آغاز شد و از این زمان به بعد شهرهای مصر به خصوص «میدان التحریر» در مرکز شهر قاهره، میعادگاه تظاهرات‌کنندگانی شد که از نقاط مختلف مصر در آن تجمع کرده و خواستار سقوط نظام دیکتاتوری مصر شدند.

با لجاجت مبارک مبنی بر ماندن بر سر قدرت، شعارهای مردم حاضر در تظاهرات میلیونی میدان التحریر هر روز تندتر می‌شد. برخی از شعارهای مردم عبارتند از: «ای مبارک ای ترسو ای مزدور آمریکا گم شو، امروز در میدان التحریر فردا در قدس، تا رفتن طاغوت پایداری خواهیم کرد، سرنگون باد فرعون، زنده باد انقلاب سرنگون باد مبارک، الله اکبر، انقلاب مصر شکست نمی‌خورد، شهادت و پیروزی - انقلاب تا پیروزی، خورشید آزادی طلوع می‌کند و خواست ملت حاکم خواهد شد». (حسینی عارف، بهار عربی در پرتو بیداری اسلامی، 112-113)

فشار اسلام‌گرایان بر دولت مستبد مصر تا جایی بوده است که آمریکا احساس خطر کرده و در این زمینه روزنامه وال استریت ژورنال چاپ آمریکا نوشت: «ناآرامی‌های اخیر در خاورمیانه آینده و سرنوشت سیاسی برخی از دولتها را که بعنوان نزدیکترین متحدان واشنگتن در منطقه محسوب می‌شوند، در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. دولت آمریکا همزمان با تشدید ناآرامی‌ها در منطقه خاورمیانه، تلاش مضاعفی برای جلوگیری از اسلام‌گرایی آغاز کرده و دولت باراک اوباما همزمان با تشدید ناآرامی‌ها در مصر، حسنی مبارک را برای ایجاد تغییرات در کشور با هدف کاستن از خشم مردم؛ تحت فشار قرار داد. (زادهوش و حسینی عارف، شرح کوتاهی از وقایع خیزش اسلامی مردم در کشورهای عربی: 152)

با توجه به اهمیت کشور مصر در دنیای اسلام و تاثیرگذاری وقایع این کشور بر سایر کشورها، مقام معظم رهبری در روز 15 بهمن، خطبه دوم ناز جمعه را به حوادث مصر اختصاص داده و سخنانی به زبان عربی بیان کردند و در مقابل وزیر امور خارجه مصر اظهارات رهبر انقلاب را رد کرد. در این راستا «کمال الهلباوی» عضو ارشد و سخنگوی سابق

اخوان المسلمین، در گفتگو با شبکه بی‌بی‌سی در پاسخ به اظهار مجری این شبکه خاطر نشان کرد: «وزیر خارجه کنونی مشروعیت ندارد. ضمن اینکه وی باید از امام خامنه‌ای به دلیل موضع‌گیری که در قبال انقلاب مصر داشته سپاسگزار باشد». (سایت خبرگزاری فارس: 89/11/17)

پس از گذشت چند روز، حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر اصلاحاتی را پیشنهاد داد اما حاضر به استعفا که خواسته اصلی معترضان بود نشد. وی در روز هشتم اعتراضات وعده داد که در ماه سپتامبر از قدرت کنار خواهد رفت. اما پس از 18 روز اعتراضات مستمر در شهرهای بزرگ مصر، بالاخره در روز 22 بهمن 1389 (11 فوریه 2011)، انقلاب مردم مصر پیروز شده و شورای عالی ارتش با ریاست «محمد حسین طنطاوی» وزیر دفاع مبارک قدرت را به دست گرفت.

خبر سقوط مبارک، موجی از شادی را در بین مردم حاضر در میدان التحریر و دیگر نقاط مصر ایجاد کرد. میلیون‌ها مصری با شنیدن این خبر فریاد الله اکبر سردادند. تظاهرات کنندگان پس از شنیدن خبر برکناری مبارک از شوق گریه می‌کردند و یکدیگر را در آغوش می‌کشیدند. زنان و دختران مصری روی بالکن‌ها و پشت‌بام‌ها، با کشیدن کل و هورا، شادی خود را بروز داده و شادمانی مردم غیر قابل وصف بود. (حسینی عارف: بهار عربی در پرتو بیداری اسلامی: 146-147)

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز پیروزی مردم مصر بر حسنی مبارک را به ملت این کشور تبریک گفت و اظهار امیدواری کرد که ملت بزرگ مصر به همه خواسته‌های خود برسند. وی همچنین اظهار داشت: تحقق اراده مردم مصر، پیروزی بزرگی برای این ملت است. ([www.abna.ir](http://www.abna.ir))

پس از سرنگونی دیکتاتوری مبارک، مرده سفارت اسرائیل در این کشور را اشغال نموده و بارها نیز لوله‌های گاز صادره به رژیم اشغال‌گر را به آتش کشیدند.

با وجود کمک آمریکا، اسرائیل، کشورهای غربی و کشورهای حامی مبارک در منطقه به شورای عالی ارتش در قدرت رسیدن احمد شفیق در انتخابات، در نهایت با ایستادگی انقلابیون، «محمد مرسی» به نمایندگی از اسلام‌گرایان در این کشور به قدرت رسید.

## 2.3. بحرین:



کشور بحرین در میان ممالک عربی خلیج فارس، به لحاظ جمعیت بالای شیعیان و سابقه بنیادگرایی شیعه در این کشور، کانون رستاخیز شیعه بوده و همواره بین آن ها با دولت مرکزی خصومت وجود داشته است. بدنبال انقلاب اسلامی، شیعیان این کشور به عنوان یک جنبش نیرومند در این کشور ظاهر شده و با تأثیر پذیری از انقلاب اسلامی و همچنین حمایت از سوی انقلابیون ایرانی، حرکات چندی بر علیه حکام خود انجام دادند که از جمله آن ها سخنرانی « هادی مدرسی » در سال 1979 بود که منجر به شکل گیری دو تظاهرات علنی در روزهای 17 اوت ( به بهانه روز قدس ) و روز 19 اوت ( اعتراض به بازداشت مدرسی ) شده و در نهایت اخراج وی را در 31 اوت مدرسی به همراه داشت. ( محمدی، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی: 202 )

در آوریل 1980 بدنبال تأیید تلویحی اعدام آیت الله صدر توسط رژیم عراق از جانب حکام بحرین، دوباره منازعات در این کشور شدت گرفت که در پی آن نیروهای دولتی نیز هرگونه تظاهرات از ناحیه شیعیان بحرین را سرکوب کردند. (محمدی، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی: 192) همچنین با حمله عراق به ایران و بدنبال آن پیوستن بحرین به پیمان امنیتی با عربستان و در نهایت تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، گرچه تا حدی صدور انقلاب در این کشور مهار شد؛ ولی با این حال ریشه ها و زمینه های لازم برای طغیان در کشور بحرین همچنان وجود داشته و در مقابل نیز برخوردهای خشونت بار نیروهای دولتی بحرین با شیعیان این کشور که به نوعی معلول محرومیت اکثریت شیعه در برابر اقلیت حاکم سنی بود، با جدیت همراه بود که از جمله آن ها سرکوب کودتا توسط «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین» در سال 1981 بود. (ملکوتیان، تأثیرات منطقه ای و جهانی انقلاب اسلامی: 275) علی رغم سرکوب مخالفت های شیعیان که غالب آن ها به ایران نسبت داده می شد، ولی با این حال این قیامها ادامه داشته و مهم ترین آن ها سرکوب سال 1994 بود که با وجود مهار این جنبش، شیعیان بر استمرار قیام تا موافقت دولت به برگزاری انتخابات پارلمانی تاکید کرده (محمدی، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی: 193) و در نهایت حاکمان بحرین بدلیل ترس از حرکت های اصلاح گرایانه در سال های پس از آن، با اعطاء آزادی های بیشتر به مردم بحرین و امکان انتخاب نمایندگان شیعه در مجلس ملی به این قیامها خاتمه دادند و لیکن با شروع خیزش اسلامی در کشورهایی نظیر تونس و مصر، در بحرین نیز قیام هایی علیه حکومت شکل گرفت.

خیزش مردم بحرین در موج جدید، روز دوشنبه 25 بهمن 1389 (14 فوریه 2011) آغاز شد؛ روزی که به تاسی از انقلاب های پیروزمند تونس و مصر، از سوی جوانان بحرینی به عنوان "روز خشم" اعلام شده بود. تظاهرات مسالمت

آمیز مردم بحرین با حمله نیروهای امنیتی و نیز اراذل و اوباش طرفدار حکومت به خشونت کشیده شد. در اولین روز تظاهرات بحرین یک جوان 21 ساله به نام «عبدالهادی علی المشیمع» شهید و 20 تن دیگر زخمی شدند. با این خشونت غیرمنتظره حکومت، اعتراضات خیابانی اوج گرفت و به شهرها و مناطق دیگر نیز سرایت کرد.

ریشه های اصلی تحولات اخیر در بحرین را می توان در مواردی بیان کرد: «حکومت اقلیت بر اکثریت، ممانعت از مشارکت سیاسی پیروان اهل بیت، تغییر بافت جمعیتی بحرین و فاصله طبقاتی» (هاشمی نسب، بحرین: 26 - 27)

در اعتراضات مردم بحرین، هر چند برخی کارشناسان، بی کاری را از جمله خواسته های معترضین برشمردند، لیکن اکثر قریب به اتفاق کارشناسان مسائل غیر اقتصادی چون درخواست آزادی بیشتر، اصلاحات سیاسی، مذهبی و رفع تبعیض علیه شیعیان که حدود 60 درصد جمعیت بحرین را تشکیل می دهند، را از مطالبات اصلی معترضان معرفی می کنند. (معارفی، نقش مطالبات اقتصادی در انقلاب و خیزش کشورهای عربی: 146)

شایان ذکر است که خشونت حکومت باعث شد که مردم از خواسته های فوق عبور کنند و سطح مطالباتشان افزایش دهند. در این راستا مردم به دولت اعلام کرده بودند: «اعتراضات ما تنها برای اصلاحات و از بین رفتن تبعیض است و قصد براندازی حکومت را نداریم، ولی اگر تنها یک نفر از معترضین کشته شود، دیگر به کمتر از تغییر رژیم رضایت نخواهیم داد». با شهادت عده زیادی از انقلابیون، مردم با نصب پلاکاردهایی در اطراف میدان اللؤلؤه، خواستار کناره گیری خاندان حاکم از قدرت و عقوبت قاتلان شهدا شده و سپس اعضای شورای همکاری خلیج فارس شامگاه 28 بهمن 1389 نشست فوق العاده ای در منامه برگزار کردند. این شورا در پایان نشست خود با انتشار بیانیه ای از اقدام دولت پادشاهی بحرین در سرکوب مردم معترض و کشتار آنان حمایت کرد. (زادهوش و حسینی عارف، شرح کوتاهی از وقایع خیزش اسلامی مردم در کشورهای عربی: 151)

برای مقابله حکومت با انقلابیون، «حمد بن عیسی آل خلیفه» دیکتاتور بحرین در روز 4 اسفند 1389 برای انجام برخی گفت و گوهای محرمانه با سران ارشد عربستان سعودی، در سفری غیر منتظره وارد این کشور شد. این در حالی بود که سه گردان وابسته به ارتش عربستان با حضور در مناطق شرقی این کشور، در نزدیکی مرز آبی بحرین مستقر شدند تا در صورت نیاز و در لحظه صدور دستور، از راه پل «ملک فهد» - که تنها راه ارتباطی زمینی میان عربستان و بحرین است - گذر کرده و به نیروهای رژیم بحرین در کشتار معترضین کمک کنند. پیش از این نیز مقامات ارشد عربستان سعودی و امارات متحده عربی اعلام کرده بودند که در کنار رژیم حاکم بحرین ایستاده و هر گونه حمایت لازم

و مورد نیاز این رژیم برای مقابله با معترضین و قتل عام آنان را فراهم خواهند کرد. به علاوه اینکه «رابرت گیتس» وزیر دفاع آمریکا روز 20 اسفند 1389 با اعلام حمایت از خاندان آل خلیفه در برابر قیام مردم این کشور وارد منامه شد. «جف مورل» سخنگوی هیئت همراه، هدف از سفر وزیر دفاع آمریکا به بحرین را اطمینان بخشیدن به رهبران بحرینی نسبت به حمایت واشنگتن از آن‌ها و ترغیب به ضرورت انجام گفت‌وگو با گروه‌های معارض دانست. (زاده‌هوش و حسینی عارف، شرح کوتاهی از وقایع خیزش اسلامی مردم در کشورهای عربی: 151)

این در حالی است که هدف واقعی سفر وزیر آمریکایی به بحرین چند روز بعد معلوم شد؛ چرا که با گسترده شدن اعتراضات، نیروهای نظامی عربستان نیز راهی بحرین شدند تا در سرکوب و کشتار مخالفان دولت بحرین را کمک کنند. (محسن معارفی، نقش مطالبات اقتصادی در انقلاب و خیزش کشورهای عربی: 134)

با اشغال بحرین توسط ارتش سعودی، میدان اللؤلؤه تخریب شد؛ و قلع و قمع مخالفان آغاز گردید. به اعتقاد ناظران سیاسی، تمام این اتفاقات با چراغ سبز گیتس صورت پذیرفت. ناظران این کار را اشغال بحرین خوانده و با توجه به اینکه معاهده کشورهای خلیج، درباره استفاده از سپر جزیره در صورت حمله خارجی به یکی از اعضای شورای همکاری بوده است، استفاده از ارتش عربستان خلاف قوانین شورای همکاری محسوب می‌گردد.

پس از آن حاکمان بحرین با اعلام حالت فوق العاده و حکومت نظامی به کشتار مردم بی سلاح و ترور رهبران انقلاب مبادرت نمودند؛ اما با گذشت حدود یک سال و نیم از شروع اعتراضات مردمی در بحرین کماکان این اعتراضات ادامه دارد و در کنار آن سرکوب‌های خشونت بار دولت بحرین با حمایت آمریکا و عربستان نیز ادامه دارد.

## 2.4. عربستان:

از جمله حرکت‌های مسلمانان منطقه که تحت تاثیر انقلاب اسلامی در نخستین سال پس از انقلاب صورت گرفت، بروز ناآرامی و طغیان اخوان المسلمین عربستان در نوامبر 1979، در اعتراض به پادشاهی سعودی بود. گرچه ارتباط مستقیمی بین این واقعه با ایران وجود نداشته؛ ولی بازتاب روانی انقلاب، عاملی موثر در این واقعه بوده است. اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن: 117) در این واقعه که با رهبری «جهیمان العتیبی» شکل گرفته بود، مسجد الحرام توسط مبارزان سنی به مدت دو هفته تصرف گردید و در حالیکه حکومت عربستان از واقعه تصرف مسجد الحرام سر در گریبان بود، در همان زمان واقعه دیگری در استان ثروتمند «الاحساء» و استان «قطیف» اتفاق افتاد

و همچنین به دنبال آن‌ها نیز شورش‌های دیگری نیز به وقوع پیوست که در این قیام‌ها شیعیان عربستان با الهام از انقلاب ایران، از تبعیض حکام سنی آزرده خاطر بوده و خواهان توزیع عادلانه در آمد نفت و خدمات عمومی بودند و حکام عربستان نیز جهت مقابله با قیام‌های شیعیان، ضمن اتخاذ سیاست مبتنی بر تحریب و رفع برخی کاستی‌ها، نارضایتی‌های موجود را با شدت بیشتری سرکوب نمودند (کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا،: 107 – 108) تا از تاثیرات انقلاب ایران جلوگیری به عمل آوردند. ذکر این نکته ضروری است که در راستای جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران، عربستان از مهم‌ترین کشورهای تامین‌کننده هزینه جنگ عراق بوده و همچنین برای تامین امنیت خود، با حمایت مستقیم آمریکا و همراهی کشورهای عربی به تاسیس «شورای همکاری خلیج فارس» اقدام نمود و همچنین همواره در خط تقابل با صدور انقلاب اسلامی در منطقه قرار داشته و در این راستا مهم‌ترین اقدام این کشور، به شهادت رساندن چهارصد نفر از حاجیان ایرانی هنگام برائت از مشرکین در سال 1366 و مقابله با شیعیان شرق عربستان و شهر مدینه بوده است.

با شروع اعتراضات مردمی در کشورهای عربی، در عربستان هم مخالفان با تظاهراتی نمادین خواهان آزادی‌های مدنی بیشتر و مشروطه شدن پادشاهی عربستان شدند. در 4 مارس 2011 میلادی (13 اسفند 1389) اعتراضات مخالفان از شهرهای احساء و قطیف به ریاض پایتخت عربستان سعودی کشیده شد. حکومت سعودی پس از آن هرگونه تظاهرات و تجمع اعتراض آمیز را ممنوع اعلام کرد و مخالفان را تهدید نمود که در صورت تکرار با برخورد شدید پلیس همراه خواهند بود. علی‌رغم هشدارهای پلیس، تظاهرات خشم‌آلود در برخی شهرها ادامه یافت که با برخورد شدید حکومت مواجه گردید و ده‌ها نفر از مخالفان کشته و زخمی و شمار بسیاری دستگیر شدند. (معارفی، نقش مطالبات اقتصادی در انقلاب و خیزش کشورهای عربی: 134)

## 2. 5. یمن:

یمن در جنوبی‌ترین بخش جزیره عربستان سعودی قرار داشته و این منطقه از صدر اسلام همواره از مهم‌ترین مناطق رشد شیعه طرفداران اهل بیت بوده است. شیعیان در یمن به صورت سه فرقه شیعه وجود دارند: زیدیه، اسماعیلیه و امامیه.

کشور یمن با ریاست جمهوری «علی عبدالله صالح» در سال 1990 با اتحاد دو بخش شمالی و جنوبی تشکیل شد. عملکرد وی نمایانگر قرابت با بعثی‌ها و سیاست‌های ضد شیعی بوده و با حمایت از جریان وهابیت در این کشور، از

سال‌های میانی دهه 2000 با ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی قراردادهایی را به امضا رساند و پس از آن با کمک نظامیان سعودی و استفاده از بمب‌هایی فسفری که استفاده از آن در قوانین بین‌المللی جنگی ممنوع است، در صدد برآمد تا با توسل به گزینه نظامی، شیعیان زیدی مخالف حکومت ( الحوثی ) را در صعدہ سرکوب نماید.

با توجه به تاثیرات انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام، طبیعی است که شیعیان یمن هم تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار بگیرند. ولی این تأثیرپذیری فکری از انقلاب اسلامی تنها منحصر به شیعیان امامیه نیست، بلکه بسیاری از عالمان شیعه غیر امامی و اهل سنت نیز از انقلاب اسلامی تأثیر گرفته‌اند. علامه حسین حوثی هم از این قبیل عالمان است. (العماد، یمن از انقلاب اسلامی تا عصر ظهور: [www.rasekhoon.net](http://www.rasekhoon.net))

بعد از شروع شدن موج بیداری اسلامی در جهان عرب، در یمن ده‌ها هزار نفر در صنعاء، پایتخت یمن، در روزهای پایانی ژانویه 2011 میلادی (7 بهمن 1389) دست به تظاهرات خیابانی زده و خواستار کناره‌گیری علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهوری این کشور از قدرت شدند. علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور یمن نیز اعلام کرد که در سال 2013 قدرت را پس از 35 سال ترک خواهد کرد. در جمعه خشم، روز 11 مارس (20 اسفند 1389) شهرهای یمن شاهد اجتماعات اعتراض آمیز گسترده بود که نیروهای دولتی با گاز شیمیایی با آنها برخورد کردند. علی عبدالله صالح قول داد که وضعیت بهتری برای مشارکت بیشتر سیاسی مردمی در یمن فراهم آورد و تغییراتی در قانون اساسی کشور اعمال خواهد کرد. با استمرار اعتراضات در 14 خرداد 1390 (4 ژوئن 2011) علی عبدالله صالح پس از مجروح شدن به عربستان سعودی فرار کرد. (معارفی، نقش مطالبات اقتصادی در انقلاب و خیزش کشورهای عربی: 133)

قابل توجه آن که حکومت عربستان در حمایت از حکومت یمن به انقلابیون یمن حمله کرده و به شکل رسمی وارد یمن شده است، این در حالی است که ایران را به دخالت در مسائل یمن متهم می‌کند.

## نتیجه گیری:

یکی از نکات مهم در خصوص رژیم های انقلابی این است که آنها در قیاس با سایر رژیم ها، با تفاوت در روش ها و اهداف، در صدد گسترش انقلاب به سایر کشورها برآمده و با تمرکز بر تغییر ساختارهای سیاسی و اجتماعی سایر کشورها، بخش عمده ای از سیاست خارجی خود را بر این اساس تنظیم و اجرا می کنند.

از آنجایی که نظام بین المللی همواره در جهت ایجاد و گسترش همگونی در نظام روابط بین دولت ها و حتی درون سیستم اجتماعی - سیاسی همواره تلاش به عمل می آورند تا نوعی همگونی را ایجاد و حاکم نمایند، لذا در عرصه بین الملل قدرت های طرفدار وضع موجود در تقابل با رژیم انقلابی، بلافاصله در صدد برخوانند آمد تا از گسترش انقلاب جلوگیری به عمل آورده و در صورت امکان حتی رژیم انقلابی را نیز سرنگون نمایند. این در حالی است که تجارب تاریخی نشان می دهد علی رغم وجود ضد انقلاب بین المللی در تقابل با انقلاب هایی با ایده ها و اقدامات بین المللی، نظام حکومتی در کشور انقلابی به هیچ وجه از بین نرفته و در عملکرد آن اخلاقی ایجاد نگردیده و همچنین ضد انقلاب نیز در دسترسی به اهداف خود غالباً ناموفق بوده است.

شایان ذکر است که انقلاب اسلامی ایران نیز با توجه به ایدئولوژیک بودن و به لحاظ ماهیت اسلامی خود، از همان اوایل پیروزی یکی از شعارها و اهداف اصلی خود را نشر و گسترش ارزش های اسلامی به دیگر ملل اسلامی قرارداد و در این راستا جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد تا انقلاب اسلامی را به عنوان نمونه ای از حرکت شجاعانه ملت ایران در مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی به دیگر ملتهای مسلمان و غیر مسلمان جهان معرفی کند تا آنان نیز از حقوق و شیوه دستیابی به حقوق خود آگاه گردند.

قدرت های حافظ وضع موجود جهانی و منطقه ای، برای جلوگیری از گسترش حرکت های، بهره گیری از راهبردها و روشهای مختلفی را مورد توجه قرار داده و دست به اقداماتی زدند که مهم ترین آنها عبارتند از: ایجاد اختلاف و تفرقه و دامن زدن به تعارضات منطقه ای، قومی و دینی، تدارک کودتا، جنگ تحمیلی، جنگ روانی و حملات تبلیغاتی علیه ایران، ایجاد جو رعب و ترس و احساس نا امنی از ایران در دل حکام و سران کشور های نفتی حاشیه جنوبی خلیج فارس، توسعه پایگاه های نظامی در کشورهای منطقه، اتخاذ سیاست های مهار و تحریمهای چند جانبه، اتهام حمایت از تروریسم، محور شرارت، بحث نقض حقوق بشر، ایجاد بحران هسته ای و ...

موارد فوق از جمله ابزارهایی بود که مخالفان انقلاب اسلامی ایران در عرصه بین الملل، جهت مهار صدور انقلاب و جلوگیری از مطرح شدن آن به عنوان یک الگو در جهان اسلام و سایر ملل مستضعف به کار گرفتند. علی رغم تحمیل فشارها و هزینه های سنگین به نظام جمهوری اسلامی ایران، ضد انقلاب در دسترسی به اهداف خود غالباً ناموفق بوده است و با توجه به شعارها و خواسته های انقلابی و اسلامی در ایران، این الگو مورد پذیرش و استقبال ملت‌های مستضعف و تحت ستم از جمله مسلمانان منطقه قرار گرفت و به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران و پژوهشگران، انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های مؤثر اسلامی در جوامع مسلمانان بوده است.

از جمله پیامدهای مهم سیاست صدور انقلاب اسلامی، تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم بر اعتراضات مردمی و بیداری اسلامی در کشورهای منطقه از جمله تونس، مصر، بحرین، عربستان سعودی و یمن بوده است؛ بدان خاطر که بر خلاف اندیشه های لیبرالیستی، مارکسیستی، ناسیونالیستی و پان عربیست، انقلاب اسلامی ایران با تجدید حیات قدرت سیاسی اسلام، در ایجاد اعتماد و بیداری ملل تحت ستم نقش مؤثری ایفاء نموده و به چند قرن خمودگی و انحطاط تمدن اسلامی خاتمه داد و همچنین موجب بیداری و احیای اسلامی بر پایه بازگشت به ایدئولوژی و مکتب اسلام گشت و پس از زیر سؤال رفتن الگوهای قدرت در این کشورها، مبارزان انقلابی بدنبال حاکم نمودن الگوی اسلامی در جامعه خود می باشند.

## منابع:

- ازغندی علیرضا، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس؛ 1381
- اسپوزیتو جان ال، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، 1382
- امرائی حمزه، انقلاب اسلامی ایران و جنبش های اسلامی معاصر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383
- ایزدی بیژن، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1371
- بی نا، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1376
- بی نا، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه انجام کتاب، 1361
- پارسادوست منوچهر، ما و عراق؛ از گذشته دور تا امروز، تهران: شرکت سهامی انتشار، 1385
- تهامی سیدمجتبی، سیاست آمریکا در قبال ایران طی دوره جنگ تحمیلی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، 1380
- جرجیس، فواز. ای، آمریکا و اسلام سیاسی، ترجمه سیدمحمدکمال مسروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1385.
- جمعی از نویسندگان، انقلابی متمایز: جستاری در انقلاب اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب، 1385
- حسینی عارف، سیدعلیرضا، بهار عربی در پرتو بیداری اسلامی، قم: انتشارات سنویل، 1390.
- دکمجان هریر، جنبش های اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: سازمان انتشارات کیهان، 1377
- ذوالفقاری محمد، بیداری اسلامی در تونس و چشم انداز آینده، مجموعه مقالات بیداری اسلامی، جلد دوم، قم: انتشارات بین المللی المصطفی، 1390.
- زادهوش احمد و حسینی عارف سید علیرضا، شرح کوتاهی از وقایع خیزش اسلامی مردم در کشورهای عربی، نشریه علمی تخصصی ره توشه راهیان نور، شماره 103، مرداد 1390.
- سایت ابنا [www.abna.ir](http://www.abna.ir)
- سایت فارس [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)
- ستوده محمد، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ساختار نظام بین الملل»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره 16، زمستان 1380
- عبدالناصر ولید، انقلاب اسلامی و تحولات فراوطنی آن در مصر، ترجمه مجید مرادی، جمعی از نویسندگان، انقلابی متمایز: جستارهایی در انقلاب اسلامی، قم: بوستان کتاب، 1385
- العماد عصام، یمن از انقلاب اسلامی تا عصر ظهور، [www.rasekhoon.net](http://www.rasekhoon.net)
- غضنفری کامران، آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر کیا، 1380
- فلاح نژاد علی، سیاست صدور انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1384
- کدیور جمیله، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران: نشر اطلاعات، 1379
- گلی زواره غلامرضا، شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1380
- متقی ابراهیم، «استراتژی موازنه منطقه ای آمریکا در جنگ ایران و عراق»، مجله سیاست دفاعی، سال هشتم، شماره 31 تابستان، 1379
- محمدی منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1385
- محمدی منوچهر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر، 1377



- معارفی محسن، نقش مطالبات اقتصادی در انقلاب و خیزش کشورهای عربی، مجموعه مقالات بیداری اسلامی، جلد دوم، قم: انتشارات بین المللی المصطفی، 1390.
- ملکوتیان مصطفی، «تاثیرات منطقه ای و جهانی انقلاب اسلامی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی»، شماره 61، پاییز 1382
- هاشمی نسب سعید، بحران بحرین، فصلنامه پژوهش های منطقه ای، شماره 5، پائیز و زمستان 1389.